

بررسی شخصیت سودابه با نظریه هیجان خواهی ماروین زاگرمین

وجیهه ترکمانی باراندوزی*

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد چالوس، دانش‌گاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵

چکیده

شاهنامه حکیم فردوسی (۴۱۱ - ۳۲۹ ه.ق) با توجه به برخورداری از ظرفیت‌های مناسب جهت بررسی با نظریه‌ها و دیدگاه‌های علمی معاصر، انعکاس‌دهنده خصوصیات روانی و اخلاقی انسان در هر عصری است که به طرزی ماهرانه به تصویر درآمده است. شخصیت سودابه در شاهنامه نیز به دلیل ساختار و درون‌مایه کنش‌گرایانه، این قابلیت را دارد که با نظریه‌های روان‌شناسانه نقد و تحلیل گردد و نتایج آن در کنترل و واکنش‌های مبتنی بر هیجان‌طلبی انسان امروزی مورد استفاده قرار گیرد. هیجان‌خواهی یکی از نظریه‌های ماروین زاگرمین (۱۹۷۸)، از روان‌شناسان معاصر است. این نظریه دربردارنده یکی از چند صفت بنیادی تعیین‌کننده ماهیت انسان است. در این مقاله، ویژگی‌های شخصیتی سودابه با نظریه هیجان‌خواهی ماروین زاگرمین مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد هر چهار مؤلفه نظریه هیجان‌خواهی زاگرمین در کنش و رفتارهای نامتعارف سودابه از ماجراجویی، خودمحوری و خطرپذیری در نحوه انتخاب همسر در هاماوران گرفته تا جست‌وجوی تجربه حسی تازه، اجتناب از یک‌نواختی و اقدام به رفتارهای بازدارنده در قصر شاه ایران، نمود دارد.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، سودابه، نظریه زاگرمین، هیجان‌خواهی بالا.

* torkamani.vajihe@gmail.com

مقدمه

بشر از آغاز، کوشیده است تا حالت‌های آشفته هیجانی یا انفعالی را درک نماید و به آن پاسخ‌های شایسته بدهد. امروزه نیز به عقیده دانشمندان ویژگی‌های شخصیتی نظیر برون‌گرایی، هیجان‌خواهی، شدت عاطفه، ادراک کنترل و میل کنترل در ایجاد حالت‌های انگیزشی و هیجانی متفاوت، تأثیر دارند؛ با این وجود از همان آغاز روزگار تلاش‌های فکری، بشر کوشید تا علل تفاوت‌های فردی و حالت‌های انگیزشی و هیجانی متفاوت افراد مختلف را حتا در موقعیت‌های یکسان توضیح دهد (ریو، ۲۶۴: ۱۳۸۱).

«امروزه روان‌شناسان برآند هیجان‌ها پاسخ‌های فیزیولوژی درونی هستند که ادراک، یادگیری و عملکرد ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند (موکیلی، دانتر، ۱۳۸۴: ۱۳۳). گفتنی است تعریف‌ها درباره هیجان‌ها، متعدد و اغلب متناقض می‌باشند». لیپر (۱۹۷۰) در زمینه تعریف هیجان از تعریف انگیزشی استفاده می‌کند و معتقد است که هیجان‌ها مانند انگیزه‌ها سبب تحریک‌شدگی، برپایی، تداوم و کنترل فعالیت می‌گردند. همان‌طور که ترس یک هیجان است درعین حال انگیزه نیز به شمار می‌رود، زیرا فرد را به طرف رفتار هدف‌دار سوق می‌دهد. به نظر وی هیجان‌ها با ایجاد تغییرات فیزیولوژیکی و رفتارهای سازمان‌یافته به فرد کمک می‌کنند تا وی در مواقع لازم به انجام واکنش‌های ضروری مبادرت ورزد» (خداپناهی، ۱۳۸۲: ۱۸۲-۱۸۱).

طبق نظر ماروین زاگرم (۱۹۷۸)، ساختار هیجان‌خواهی به مقدار انگیختگی که دستگاه عصبی مرکزی شخص، مغز و نخاع، از منابع بیرونی تحریک نیاز دارد، مربوط است. بر اساس این نظریه، هیجان‌خواهی صفتی است که ویژگی آن نیاز به هیجان و تجربه‌های متنوع و پیچیده و میل اقدام به خطرهای جانی و بدنی به خاطر خود این تجربه‌هاست (Zuckerman، ۱۹۹۹: ۵۰۱-۴۸۷). جالب است این ویژگی شخصیتی، در کنش و رفتار برخی از شخصیت‌های داستانی شاهکارهای ادبی نظیر شاهنامه حکیم فردوسی، به وضوح نمایان است و در نحوه نقش‌آفرینی برخی از شخصیت‌های داستانی تأثیرگذار و چشم‌گیر است. این ویژگی شخصیتی به گونه‌ای استادانه از سوی سراینده توانا به تصویر درآمده است که با دقت در نحوه توصیف شخصیت این گونه افراد در بستر حوادث داستان، به این ویژگی شخصیتی آن‌ها می‌توان پی برد و با استفاده از نظریه‌های روان‌شناسی، مؤلفه‌های این تیپ شخصیتی را بررسی کرد.



بر همین اساس با مطالعه شخصیت و رفتار سودابه به عنوان شخصیت منفی، سعی شده است تا دریابیم که علت روان‌شناختی رفتارهای او چیست؟ در این مقاله بر اساس شواهد موجود در *شاهنامه* و تطبیق ویژگی‌های سودابه با نظریه هیجان‌خواهی «زاکرمن» کوشیده‌ایم به این پرسش پاسخ دهیم.

تاکنون *شاهنامه* از دیدگاه‌ها و جنبه‌های مختلف مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است، اما در زمینه روان‌شناسی با نگاه به نظریه هیجان‌خواهی زاکرمن پیشینه‌ای ندارد. هر چند پژوهش‌ها درباره داستان سیاوش که به طور طبیعی سودابه نیز بخشی از آن‌هاست به صورت کتاب و مقاله فراوان است، اما پژوهش‌هایی که در این زمینه با نگاه روان‌شناسانه و یا به صورت مستقل در ارتباط با سودابه انجام شده باشد، محدود به چند مقاله و پایان‌نامه است، که فقط به داستان و موضوعی خاص پرداخته‌اند؛ از جمله: «تحلیل روان‌کاوانه رودابه و سودابه، (یگانه‌های دوسویه شاهنامه)»، اشرف خسروی و اسحاق طغیانی (۱۳۸۹)؛ در این مقاله شخصیت رودابه و سودابه به عنوان معشوقه‌های معروف داستان‌های غنایی *شاهنامه*، به عنوان نماد آنیمای مثبت و منفی، براساس یکی از کهن‌الگوها مطرح در نظریه فریدیت یونگ؛ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این پژوهش اهمیت و نقش خودآگاه و اراده در ساختن فرد و جامعه بررسی شده است.

«بررسی اختلال شخصیت ضد اجتماعی سودابه در شاهنامه فردوسی»، شیرین صمصامی و امین حمامیان (۱۳۹۳)؛ در این پژوهش به بررسی شخصیت ضد اجتماعی سودابه و تطبیق خصوصیات او با بیماران دچار اختلال شخصیت ضد اجتماعی پرداخته می‌شود. «شخصیت مرزی سودابه در شاهنامه فردوسی»، نسرین داودنیا، جلیل تجلیل و ناصر سراج‌خرمی (۱۳۹۲)؛ نگارندگان این مقاله با ذکر مقدمه‌ای پیرامون شخصیت، اختلال شخصیت و ویژگی‌های شخصیت مرزی کوشیده‌اند آن ویژگی‌ها را با صفات و کردارهای سودابه، به عنوان شخصیت مرزی در داستان، مورد نقد و تحلیل قرار دهد. قدم‌علی سرّامی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیلی نو از داستان سیاوش» کوشیده است داستان سیاوش و دل‌دادگی سودابه به او را از دریچه نگاه اسطوره‌ای مورد واکاوی و بررسی قرار دهد.

هم‌چنین جلال خالقی مطلق (۱۳۸۱)، در مقاله «نظری درباره هویت مادر سیاوش»، به تحلیل و واکاوی چهره حقیقی مادر سیاوش می‌پردازد و تحت تأثیر انواع ازدواج‌ها در بین ایرانیان باستان از جمله ازدواج با محارم، کوشیده است مادر سیاوش را با سودابه یگانه پندارد.

باید اشاره کرد در مقاله حاضر، روش تحقیق از نوع اسنادی است که از شیوه توصیفی - تحلیلی برای بررسی هیجان‌خواهی‌های نمایان‌شده در رفتار سودابه استفاده گردیده است.

- نظریه هیجان‌خواهی

در آغاز دهه ۱۹۷۰، ماروین زاگرن (۱۹۲۸) یکی از روان‌شناسان دانشگاه دلاویر، پژوهش‌های وسیعی را درباره جنبه محدودی از شخصیت انجام داد که آن را هیجان‌خواهی نامید. به نظر زاگرن، هیجان‌خواهی جست‌وجوی هیجان و تجربه متنوع، تازه، پیچیده و میل پرداختن به خطرهای بدنی، اجتماعی و مالی به‌خاطر خود این تجربه‌هاست (Zuckerman : Eysen ck, & 1978, 83-87). طبق نظر روان‌شناسان، هیجان‌خواهی یکی از نیازهای زیستی و اساسی در انسان است و می‌تواند در تمام مراحل زندگی انسان تأثیر بگذارد.

شایان ذکر است هیجان‌خواهی «از زمانی که توسط زاگرن و همکارانش در سال ۱۹۶۴م، معرفی شده، علایق و پژوهش‌های فراوانی را به وجود آورده است. زاگرن پیش‌نهاد می‌کند که ساختار هیجان‌خواهی به جای این که ساختاری واحد باشد، مجموعه مؤلفه‌های به هم پیوسته است» (وفایی و هم‌کاران، ۱۳۹۰: ۵۱). اولین نسخه مقیاس هیجان‌خواهی زاگرن که ۳۰ سال پیش ارائه شد برای پیش‌بینی پاسخ فرد به محرومیت حسی بود؛ پس از آن، وسیله سنجش شخصیتی برای ارزیابی چهار گرایش کلیدی تصحیح شد که عبارتند از: هیجان‌زدگی و ماجراجویی، تجربه‌جویی، بی‌قیدی و نیاز به رها بودن در فعالیت‌های اجتماعی بازداری شده (بازداری‌زدایی) و آسیب‌پذیری در مقابل خستگی (شولتز، شولتز، ۱۳۹۲: ۵۷۶).

درباره ویژگی‌های افراد هیجان‌خواه باید اشاره کرد، مطابق نظر روان‌شناسان یکی از ویژگی‌های شخصیتی افراد دارای انگیزتگی بالا، برون‌گرایی است. افرادی که در روان‌شناسی برون‌گرا می‌نامیم، می‌توانند مهارت‌های انسانی قوی داشته باشند و به تبع آن روابط انسانی اثربخش می‌تواند عمل کرد مدیر را بهبود بخشد. در واقع، ویژگی برون‌گرایی به واسطه ارتباط آن با مهارت روابط انسانی با عمل‌کرد شغلی مرتبط می‌شود (Roberts, 2004: 525-545).

در بین روان‌شناسان آیزنک، معتقد است افراد برون‌گرا، دارای سطح بهینه تحریک‌شدگی بیش‌تری نسبت به افراد درون‌گرا هستند. در نظر آیزنک تفاوت‌های ژنتیکی فطری باعث می‌شود که افراد از نظر دستگاه فعال‌ساز شبکه‌ای صعودی



(ARAS¹) با یک‌دیگر فرق داشته باشند. ARAS ساختار مغزی، مسئول انگیزندگی مغزی در پاسخ به تحریک بیرونی است (آیزنک، ۱۹۶۹، به نقل از ریو، ۱۳۸۱: ۲۷۱). به عبارت دیگر می‌توان گفت، برون‌گرایان برای دستیابی به سطح بهینه برپایی به محرک‌هایی بیرونی شدید، نیاز دارند درحالی‌که درون‌گرایان دارای یک دستگاه فعال‌ساز بسیار قوی بوده که با حداقل تحریک، به سطح برپایی می‌رسند (زاگرمین، ۱۹۷۹، به نقل از خدایانه‌ی، ۱۳۸۲: ۱۸۵). درحالی‌که نتایج برخی تحقیقات روان‌شناسان، رابطه هیجان‌خواهی تکانشی با رفتارهای ضداجتماعی و اختلال شخصیت مرزی را تأیید کرده‌اند (کواس، گارسیا، ۲۰۰۷؛ به نقل از علیلو و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۹). چندین مطالعه نیز عدم ارتباط هیجان‌خواهی تکانشی با اختلال شخصیت مرزی را نشان داده است (اگان و هم‌کاران، ۲۰۰۱؛ به نقل از همان). باید اشاره کرد، علی‌رغم وجود رابطه بین هیجان‌خواهی و رفتار ضداجتماعی، هیجان‌خواهی همواره منجر به رفتاری ضداجتماعی نمی‌شود، هیجان‌خواهی را می‌توان در افرادی که ضداجتماعی نیستند مانند ورزش‌کاران یا دارندگان مشاغل خطرناک مشاهده کرد.

این فرض نیز وجود دارد که متغیرهای اجتماعی مانند: موقعیت اقتصادی و اجتماعی و علل ژنتیکی و زیست‌شناختی بر میزان هیجان‌خواهی تأثیر دارند. بنابراین میزان برانگیختگی افراد تحت تأثیر عوامل مختلف، متفاوت خواهد بود (موکیلی، دانتز، ۱۳۸۴: ۲۳۰). به عبارت دیگر شکل اصلی هر هیجان در افراد مختلف یکسان است؛ اما در جوامع مختلف تحت تأثیر شرایط فرهنگی خاص آن جامعه، شکل بروز هیجان متفاوت است. برخی افراد تحت تأثیر شرایط، هیجان‌خواهی خود را به طرق ضداجتماعی ابراز می‌کنند.

بحث و بررسی

شخصیت، بازیگر داستان است و در اثر روایتی یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او و آنچه می‌گوید و می‌کند، وجود داشته است (میرصادقی، ۱۳۶۷: ۲۹۹). ویژگی‌های شخصیت در یک فرد، هم می‌تواند منحصر به فرد باشد و هم وجوه مشترکی بین افراد داشته باشد. منحصر به فرد بودن یعنی هر فردی الگوهای شخصیتی متفاوتی دارد (راس، ۱۳۷۸: ۱۶).

تحقیقات مربوط به شخصیت به ایجاد شماری از نظریه‌ها می‌انجامد که توضیح می‌دهند چرا و چگونه ویژگی‌های شخصیتی خاصی ایجاد می‌شوند؛ نظریه پردازان شخصیت، یک تعریف واحد از شخصیت ارائه نداده‌اند؛ تعاریف از دیدگاه هر مکتب و گروهی به نظریه یا تئوری خاص آن بستگی دارد. برخی در تعریف آن گفته‌اند: «شخصیت

عبارت است از مجموعه‌ای سازمان‌یافته و واحدی متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و پایدار که یک فرد را از افراد دیگر متمایز می‌سازد» (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۷-۱۶). در تعریف دیگری آمده است: «شخصیت عبارت است از الگوی نسبتاً پایدار صفات، گرایش‌ها، یا ویژگی‌هایی که تا اندازه‌ای به رفتار افراد دوام می‌بخشد» (فیست و فیست، ۱۳۹۴: ۱۲).

در بین شخصیت‌های متعدد شاهنامه، سودابه یکی از شخصیت‌های مطرح زن شاهنامه است که شخصیتی کاملاً پویا و فعال دارد. قدرت عمل، جسارت، میل به انتخاب جاه‌طلبانه و برخورداری از روحیه هیجان‌خواهی از مهم‌ترین ویژگی‌های سودابه است. این زن از آن‌جا که به ظاهر در ماجرای مرگ تراژیک سیاوش، شاهزاده ایرانی و چهره پاک و مظلوم بخش پهلوانی شاهنامه، نقش اصلی دارد، در تقابل با زنانی چون رودابه، کتایون، و فرنگیس قرار می‌گیرد. از همین روی، سودابه از سوی بسیاری از محققان شاهنامه، شخصیتی بزه‌کار و بدکار، نیرنگ‌باز و نابکار و نیز نماد اسطوره جه یا جهیکا، دیو زن اسطوره‌های ایرانی، تجسم عشقی جنسی و شهوت‌آلود توصیف شده است (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۰: ۹۳؛ خسروی و طغیانی، ۱۳۸۹: ۳۰-۲۹). نکته قابل تأمل در باره تحلیل شخصیت سودابه آن است که جنبه منفی شخصیت سودابه که برای تسلیم کردن سیاوش در برابر خود و کام‌جویی از او تلاش می‌کند، مورد توجه قرار گرفته است و غالباً چهره مثبت این زن کم‌رنگ باقی مانده است؛ زنی که «به خاطر هم‌سرش چشم از وطن و پدر شسته، حتا اسارت و زندان را به جان می‌خرد تا در کنار شوی خود باشد» (حائری، ۱۳۸۳: ۱۹۹). بیش‌تر محققان شخصیت سودابه را بدون دقت در ویژگی‌های شخصیتی وی، فقط براساس روایت داستان و تحت تأثیر جاذبه شخصیت مقابلش، یعنی سیاوش، او را آماج طعنه و تهمت قرار داده‌اند و سودابه را مقصر اصلی مرگ دل‌خراش این شاهزاده جوان در خاک دشمن، قلم‌داد کرده‌اند. در این بین تنها در تعداد اندکی از تحقیقات سعی شده است داستان سیاوش با رویکرد روان‌شناسانه مورد بررسی قرار گیرد (صفری و هم‌کاران، ۱۳۹۲: ۱۰۷-۷۵).

گفتنی است سودابه، دختر پادشاه هاماوران است هاماوران به زعم محققان همان سرزمین یمن است که توسط کی‌کاووس مورد تهاجم و حمله قرار می‌گیرد و پادشاهیش بعد از شکست از سپاه کی‌کاووس، محکوم به پرداخت باژ می‌گردد و دخترش نیز به ظاهر به خاطر شفیتگی کی‌کاووس به وی از راه گوش و در اصل به‌عنوان باژ از شاه یمن ستانده می‌شود (سرامی، ۱۳۷۸: ۵۱۵). سودابه به درخواست کی‌کاووس و به انتخاب خود، علی‌رغم مخالفت پدر، به هم‌سری کی‌کاووس درمی‌آید. وی طی حوادثی بعد از اثبات وفاداری و



همراهی با کی کاووس در زندان پدر، به کاخ شاهی کاوس در کشور ایران قدم می‌گذارد و تا پایان حیات خود، در ایران می‌ماند و سلسله‌جنبان حوادثی می‌گردد که فرجامش با مرگ خود وی پیوند می‌خورد.

جالب است که در برخی کتاب‌های تاریخی، مانند *تاریخ بلعمی ابوعلی بلعمی* و نیز در *فارس‌نامه ابن بلخی* و *تجارب‌الامم ابن مسکویه*، نامی از سودابه به عنوان دختر شاه هاماوران نیست، در این آثار دختر افراسیاب تورانی، به عنوان هم‌سر کاووس معرفی شده است که توسط وی به دربار ایران آورده می‌شود (علامی و شکیبی ممتاز، ۱۳۸۶: ۱۸۹-۱۱۲). در برخی آثار دیگر نظیر کتاب *اخبار/ایران* از ابن‌اثیر، که موارد اختلاف آن با روایت *شاهنامه* نسبت به سایر آثار تاریخی بیش‌تر است، نامی از سودابه برده نمی‌شود، بل که به صورت پوشیده از او به‌عنوان زن کی کاوس که دختر افراسیاب است، یاد شده است (همان: ۱۱۹). در واقع، این نحوه‌ی بازتاب نام و نسب سودابه، برخاسته از حس بد و ناخوشایند ایرانیان نسبت به بزرگ‌ترین دشمن سرزمینشان، افراسیاب تورانی است.

در مورد ریشه‌ی کلمه سودابه، مهرداد بهار بر آن است که سودابه با الهه‌های باروری، آب، برکت‌بخشی و پیروزگری در بین‌النهرین پیوند دارد. وی سودابه را از ریشه‌ی سو sav دانسته، ریخت ایرانی باستان این نام را «سوتا‌آپکا» حدس زده است (بهار، ۱۳۷۵: ۲، ۴۴۷-۴۴۶).

کزازی، سودابه را واژه‌ای با ریشه‌ی پهلوی، می‌انگارد و معتقد است سودابه در پهلوی سوتا‌پگ بوده است. به نظر وی می‌توان این نام را ساخته از دو پاره‌ی سود + آوه دانست. طبق نظر او «آوه یا آبه یا آب که در نام‌هایی چون «سودابه» و «رودابه» و «مهراب» به کار رفته است، برآمده از ستاک اوستایی «هپ» می‌تواند بود که همتای سانسکریت آن «سپ» است و معنی آن ارج نهادن؛ غم‌چیزی را خوردن؛ از چیزی نگاه‌داری کردن» (کزازی، ۱۳۸۴: ۱۲/۴۹۸). گفتنی است در *شاهنامه* چاپ خالقی مطلق نیز، این اسم به شکل سوداوه قید شده است. به نظر می‌رسد دور از ذهن نخواهد بود اگر با توجه به چنین ریشه‌ای برای این واژه، سوداوه را به معنی کسی است که به فکر سود و منفعت خویش است، در نظر بگیریم. در این صورت چنین برداشتی از معنی نام سوداوه، با چهره‌ی حقیقی او در *شاهنامه* و تلقی برخی از محققان درباره این شخصیت هم‌سو و هماهنگ خواهد بود. برخی نیز این احتمال را داده‌اند که سوداوه در اصل «سیاوه» (سیابه) یعنی دارای آب و رنگ سیاه بوده باشد» (علامی و شکیبی ممتاز، ۱۳۸۶: ۱۲۲). به نظر می‌رسد در نظر گرفتن چنین معنایی برای سودابه، سطحی و به اعتبار اقلیم زیستی وی باشد. شایان ذکر است

در برخی کتاب‌های تاریخی مانند *تاریخ ثعالبی*، *مروج الذهب مسعودی*، کتاب *آفرینش و تاریخ مطهرین طاهر مقدسی*، نام سودابه، دختر شاه یمن، ریخت فارسی سَعْدی عربی، دانسته شده است. (همان). در واقع، باید گفت تازیان سودابه را به خاطر زیبایی ظاهری او، شعرای یمانی نامیده بودند.

در این بخش ویژگی‌های شخصیتی سودابه را با توجه به مؤلفه‌های شناسی هیجان‌خواهی زاگرمَن، مورد تحلیل قرار دهیم.

۱- ماجراجویی

سودابه، همان‌طور که از سیر داستان مشخص است رقم‌زننده و به وجود آورنده اتفاقاتی می‌گردد که خود نمونه‌ای از هیجان‌خواهی و ماجراجویی اوست. کارها و رفتارهای ماجراجویانه سودابه هم در زمان اقامت وی در کشور و زادگاهش هاماوران و هم پس از ازدواج با کاووس در کاخ شاهی ایرانیان از او سر می‌زند، از سر ماجراجویی است. از جمله رفتارهای ماجراجویانه سودابه در *شاهنامه* فرزانه توس، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱-۱- تصمیم غافل‌گیرانه و انتخاب جاه‌طلبانه

نخستین جرقه‌های هیجان‌طلبی و ماجراجویی سودابه در اولین حضور وی، در شخصیتش نمایان می‌شود؛ به این گونه که در نخستین قدم او با قبول پیش‌نهاد درخواست ازدواج کی کاووس با وی، این خصوصیت درونی خود را آشکار می‌سازد. گفتنی است کاووس با شنیدن توصیف طنّازی و زیبایی‌های سودابه از گوینده‌های ناشناس، به او دل می‌بازد و سودابه با آن که پدرش، شاه هاماوران، سخت به وی دل‌بسته است و به هیچ روی با پیوند او با شاه ایران خرسند نیست، کاووس را به هم‌سری برمی‌گزیند و چنان در تصمیم خود پافشاری می‌کند که پادشاه بیم‌ناک از نابودی تاج و تخت شاهی به ناچار در برابر انتخاب یگانه دخترش، تسلیم می‌شود. این اقدام سودابه را می‌توان برخاسته از هیجان‌خواهی و حادثه‌جویی و میل به تجربه ماجراهای تازه دانست، چراکه افراد دارای هیجان‌خواهی زیاد تمایل به انجام رفتارها و کارهایی دارند «که شامل عناصری از سرعت، خطر، تازگی و گریز است» (شولتز، ۱۳۸۱: ۵۷۲).

دقت در داستان ازدواج سودابه با کی کاووس نشان می‌دهد، معیار سودابه و کی کاووس برای انتخاب، عشق نیست. سودابه، کاووس را شاه جهان می‌نامد و از سر هیجان‌طلبی و حادثه‌جویی او را برای ازدواج برمی‌گزیند. در واقع، انتخاب هر دوتن نه از



سر علاقه و عشق، بل که همراه با حساب‌گری است. کی کاووس با جاه‌طلبی و برای به دست آوردن غنیمتی متفاوت‌تر از آنچه در کشور یمن به چنگ آورده است، سودابه را از پدرش می‌خواهد و به تعبیر سرآمی «کاووس به سائقهٔ میل جنسی با سودابه، دختر پادشاهی ازدواج می‌کند که با او دشمن است و از میان بردن او را می‌بسیجد» (سرآمی، ۱۳۷۸: ۷۳۸). سودابه نیز با ارزیابی موقعیت و برای ماجراجویی، که ناشی از هیجانات درونی اوست؛ دست به انتخاب می‌زند و کاووس را برای ازدواج بر می‌گزیند.

۱-۲- خودمحموری و خودرایی

با مطرح شدن ازدواج سودابه با کاووس، شاه‌هاماوران بر دو راهی انتخابی سخت و دشوار قرار گرفته است که با سرنوشت و امنیت سرزمینش گره خورده است. وی با وجود خشم و نفرت قلبی بر آن است این موضوع را با مسالمت پایان دهد و بی‌آنکه خشم کاووس را برانگیزد با تمسک قرار دادن پاسخ سودابه مبنی بر عدم رضایتش برای ازدواج با کاووس، نقشه او را نقش بر آب کند؛ بنابراین، در ظاهر برای نشان دادن حسن نیت خود به کاووس و همراهانش، در باطن با خشم و نفرتی سرشار از این همه زیاده‌خواهی کاووس، به‌ناچار موضوع را با سودابه در میان می‌نهد:

غمی گشت و سودابه را پیش خواند ز کاووس با او سخن‌ها براند
(فردوسی، ۱۳۹۳: ۱/۲۳۹)

به طور طبیعی شاه‌هاماوران منتظر واکنش تند و جانب‌دارانه سودابه نسبت به این درخواست کاووس است، اما سودابه هیجان‌خواه است، با قرار گرفتن در این موقعیت، نخستین جرقه‌های هیجان‌خواهی خود را آشکار می‌کند و به سرعت رضایت خود را با این وصلت اعلام می‌کند و شاه‌هاماوران، در اوج ناباوری با رضایت دختر خود، مواجه می‌شود:

بدو گفت سودابه گر چاره نیست از او بهتر امروز غم‌خواره نیست
(همان: ۲۳۹)

سودابه برخلاف پدر، حمله کاووس به هاماوران را نتیجهٔ قدرت و عظمت پادشاهی کاووس تلقی می‌کند. کاووس، از منظر سودابه نه مهاجم است نه دشمن؛ بل که شه‌پری نام‌آور است که برای وسعت دادن سرزمین‌های پادشاهی خود، ناگزیر از حمله به کشورهای مجاور است:

کسی کو بود شه‌پریار جهان بر و بوم خواهد همی از مهان
(همان: ۱۰۸)

سودابه بی آن که کینه‌ای به کاووس بورزد، ازدواج با وی را دستاویزی برای رسیدن به خواسته‌های فردی خود قرار می‌دهد. او جسورانه رودرروی پدر می‌ایستد و به مخالفت با او می‌پردازد. سودابه در پی دستیابی به زندگی تازه و ازدواجی غیر عادی است. او یک انیرانی است و کاملاً آگاه است که به طور طبیعی همسر غیرایرانی شاه ایران، به هیچ روی مورد اقبال و پسند ایرانیان واقع نخواهد شد. سودابه با این که می‌داند که او نخواهد توانست جای‌گاه واقعی شهبانوی ایران را به دست آورد، ولی از آن جا که دارای شخصیتی هیجان طلب است، تن به چنین ازدواجی می‌دهد. ازدواج با شاه ایران تا حدی برای سودابه جذاب و حادثه‌ساز است که به هیچ روی ذلت و خواری پدر و شکست او برایش درخور اعتنا و اهمیت نیست. گویی در این ماجرا او برای دست آوردن فرصتی مناسب برای حادثه‌جویی به انتظار نشسته است و حال که این فرصت دست داده، از پای نمی‌نشیند و می‌کوشد تا مطابق میل و خواسته خود رفتار نماید. تجربه‌های تازه و سفر به سرزمین‌های نادیده، مورد علاقه و پسند سودابه است؛ پس با وجود مخالفت طبیعی پدر این پیش‌نهاد کاووس را می‌پذیرد.

۱-۳- تأثیرپذیری از مؤلفه ارثی

باید اشاره کرد که تأثیر مؤلفه ارثی در ماجراجویی، چشم‌گیر و غیرقابل انکار است. نتیجه تحقیق برخی محققان نظیر آیزنک، نشان می‌دهد مؤلفه ارثی در هیجان‌خواهی نیرومند است (آیزنک، ۱۹۸۳، به نقل از شولتز، شولتز، ۱۳۹۲: ۵۸۴). محققان معتقدند اگرچه زاگرمین بر تأثیر مؤلفه ارثی در هیجان‌خواهی تأکید داشت، اما در عین حال هیجان‌خواهی «تحت تأثیر عوامل موقعیتی یا محیطی نیز قرار دارد» (شولتز، ۱۳۸۱: ۵۷۸).

پدر سودابه حتا بعد از وصلت با کاووس و دادن دختر به وی، آرام نمی‌گیرد. او از آن جا که از شکست و ناگزیری برای دادن باج به شاه ایران عصبانی و ناراحت است، با ماجراجویی در پی آن است تا معادله پیروزی و شکست در جنگ را برهم زند و خود پیروز جنگ گردد. او به ظاهر دختر خود، سودابه، را به دشمن حکومت و تاج و تختش تسلیم می‌کند، ولی در باطن از قبول شکست و ننگ باج‌گزاری و دادن دختر؛ خشم‌گین و ناراضی است. پس بعد از دادن سودابه به کاوس با طرح نقشه‌ای می‌کوشد کاووس و هم‌راهانش را با نقشه‌ای حساب شده به دام انداخته و سودابه را دوباره به نزد خود باز آورد. شاه‌هاموران در پی این ماجراجویی خطرناک، می‌خواهد هم آب رفته را به جوی بازگرداند و هم یگانه دخترش را از چنگ دشمن تاج و تختش رهایی دهد. دقت در این



واکنش پدر سودابه، نشان می‌دهد که به درستی مؤلفه ارثی در بروز صفت هیجان‌خواهی از سوی سودابه بسیار نیرومند است.

شاه هاماوران در پی چنین نقشه‌ای کی کاووس و هم‌راهانش را به جشنی با شکوه در شهری به نام «شاهه» فرامی‌خواند و در اثنای جشن در یک فرصت مناسب، کاووس و سایر پهلوانان ایرانی را دست‌گیر و به بند می‌کشد. این در حالی است که سودابه با چنین واکنش‌هایی آشناست و کاملاً خصوصیات پادشاه را می‌شناسد و قادر است فرجام و علت کنش‌های او را پیش‌بینی نماید

بدانست سودابه رای پدر که با سور پرخاش دارد به سر
(همان: ۲۴۰)

سودابه با آگاهی از چنین سوءقصدی از طرف پدر خود، کاووس را از رفتن به شهر شاهه و شرکت در این جشن باز می‌دارد:

به کاووس کی گفت: این رای نیست! تو را خود به هاماوران جای نیست!

نباید که با سورجنگ آورد تو را بی‌بهانه به چنگ آورد
(همان: ۲۴۰)

البته کوشش سودابه برای جلوگیری از رفتن کاووس و پهلوانان هم‌راه وی برای شرکت در جشن نتیجه نمی‌دهد. به این ترتیب ایرانیان در دام شاه هاماوران گرفتار می‌آیند. درواقع، کاووس، فریب زور و برتری خود و دلاوران و گردان هم‌راهش را می‌خورد و در دام شاه هاماوران گرفتار می‌شود.

شاه هاماوران بعد از به دام انداختن کاووس، با استفاده از فرصت پیش‌آمده، پوشیده‌رویی را در هیأت فرستادگان شاه به نزد سودابه روانه می‌کند و به آنان دستور می‌دهد تا او را در نهایت عظمت و احترام به کاخ باز گردانند.

۱-۴- خطرپذیری

سودابه با زیرکی و هوش‌مندی خاص می‌داند که کار ازدواج او با کی کاووس تا رسیدن به کاخ پادشاهی در ایران ناتمام و دست‌خوش اتفاقات ناخوشایند است. او با خلیقات شاه یمن آشناست و رفتارهای تلافی‌جویانه را از وی می‌بسیجد. سودابه به درستی، فراخواندن کاوس و هم‌راهانش به شهر شاهه را، دامی برای اسیر ساختن ایرانیان و وسیله‌ای برای عملی کردن نقشه باز پس گرفتن خود و نیز معامله با رستم و دیگر یلان و گردان ایرانی برای نجات کشورش از باژخواهی شاه ایران می‌داند (همان: ۱/ ۲۴۰).

اگرچه کوشش سودابه برای جلوگیری از رفتن کاوس به جشن شاهه نتیجه نمی‌دهد و کاووس با خیره‌سری به همراه پهلوانان ایرانی در دام شاه یمن گرفتار می‌شود، اما سودابه مانند پدرش ماجراجو و خطرپذیر است، پس به آسانی رام خواسته پدر نمی‌شود و درصدد تجربه جدید و پرخطر دیگری بر می‌آید. این اقدام سودابه در یک نگاه ساده و شتاب‌زده ممکن است وفاداری یک زن به شویش تلقی گردد، ولی با دقت در رفتارهایی که از او سر می‌زند، می‌تواند نشانه دیگری از شخصیت هیجان‌خواه او باشد، که نه در بند مصالح سرزمینش است و نه به مهر پدری واقعی می‌نهد و نه هنجارهای اخلاقی را رعایت می‌کند.

درواقع، شوی دوستی سودابه و مخاطره‌جویی وی در آغاز پیوند با کاوس نه به‌خاطر باکرگی و بی‌تجربگی وی است که از سوی برخی محققان اشاره شده است (یوسفی، ۱۳۴۹: ۶)، بل که نمایان‌گر میل وی به حادثه‌جویی و ویژگی هیجان‌طلبی اوست که او را برمی‌انگیزد تا در مقابل پدر ایستادگی کند و تاوان آن را نیز بپردازد.

در این جا باید اشاره کنیم که هیجان‌خواهی با سن افراد ارتباط دارد و میزان هیجان‌خواهی در افراد نوجوان و جوان بالاتر است (شولتز، شولتز، ۱۳۹۲: ۵۷۸ - ۵۷۷). سودابه که در آستانه سن جوانی و اوج هیجان‌خواهی است میل به دنبال کردن ماجراهای تازه در او شدید است. این بار نیز از سر تجربه‌جویی و ماجراجویی برآن است تا زندان را نیز با وجود سختی‌ها و مرارت‌هایش تجربه کند.

این ویژگی مخصوص افراد هیجان‌خواه است که تمایل دارند ماجراهای تازه را بیازمایند افراد ماجراجو و هیجان‌گرا از فعالیت‌ها یا ورزش‌هایی که تجارب و هیجانات غیرعادی دارند، لذت شدیدی می‌برند (همان: ۵۷۷). سودابه باز رودرروی پدر و پادشاه سرزمینش قرار می‌گیرد و به اصرار از او می‌خواهد تا وی را به نزد شویش روانه کند تا در زندان همراه و غم‌خوار باشد تا روزی که شرایط سفر به ایران و دیدن سرزمینی جدید برایش فراهم گردد.

شاه هاموران در برابر حریفی سرسخت و هم‌آوردی هم‌سنگ خود قرار گرفته است، پس این بار نیز رام تصمیم سودابه می‌شود و او را به نزد کاووس و همراهانش در زندان روانه می‌کند:

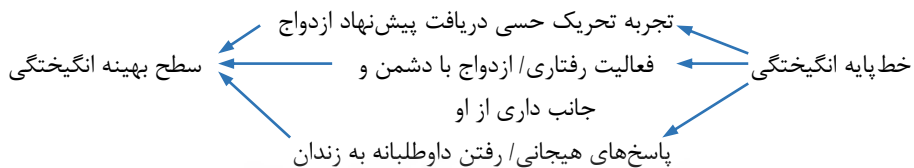
به حصنش فرستادنزدیک شوی جگر خسته ازغم، به خون شسته روی

نشستش به یک خانه باشهریار پرستنده او بُد، هم اوغم‌گسار
(همان: ۲۴۲ - ۲۴۲)



می‌توان بر آن بود که این تصمیم شاه هاماوران نه به خاطر حفظ جان سودابه، بل که از روی مصلحت‌اندیشی صورت گرفته است. او به سبب واهمه و هراسی که از یلان و گردان ایرانی، به‌ویژه رستم دارد، از ریختن خون سودابه و نیز کاووس و هم‌راهان وی چشم‌پوشی می‌کند و سودابه را به نزد کاووس می‌فرستد تا طرحی تازه برای از پای درآوردن کاووس بریزد.

با توجه به این بخش از داستان، در نمودار زیر به سه راهی انتخابی سودابه برای تنظیم انگیزختگی خود اشاره می‌شود:



۲- حساسیت نسبت به یک‌نواختی و دوری از ملال‌پذیری

افراد هیجان‌خواه از تکرار تجربیات تکراری و انجام کارهای عادی بیزارند. «وقتی که اوضاع تغییر نمی‌کند، آدم حساس به یک‌نواختی بی‌قرار و بی‌تحمل می‌شود» (زاگرمین، ۱۹۷۸: به نقل از ریو، ۱۳۸۱: ۲۷۶). به طور کلی می‌توان گفت افراد هیجان‌خواه از تکرار تجارب قابل پیش‌بینی و افراد کلیشه‌ای و روزمرگی‌ها، به آسانی خسته می‌شوند.

انگیزختگی پایین به خاطر زندگی یک‌نواخت و ملال‌آور در قصر کی‌کاووس، سبب نمایان شدن رفتارهای ضداجتماعی از سوی سودابه می‌شود؛ جست‌وجوی هیجان بالا و ملال‌گریزی او را به برقراری یک رابطه ممنوع برمی‌انگیزد. این نوع هیجان‌خواهی سودابه را می‌توان «هیجان‌خواهی غیراجتماعی تکانشی» دانست (شولتز، شولتز، ۱۳۹۲: ۵۷۹).

سودابه مدتی بعد از ازدواج پرماجرایی خود با کاووس، سطح تحریک مورد نیاز را در دربار کاووس به دست نمی‌آورد. در واقع، او ناگزیر است تا در شبستان شاهی، زندگی بدون هیجان و یک‌نواختی را، که با ویژگی‌های شخصیتی او سازگار نیست، تجربه کند. آشکار است زرق‌وبرق کاخ پادشاهی و حتا فرزندآوری، هیچ یک نمی‌تواند هیجانی را که سودابه در پی آن است، برایش به ارمغان آورد، از همین رو، خود در پی ایجاد تحرک و هیجان بیش‌تر برمی‌آید. طبیعی است که او از هر چیز و هر کس که بر سر راهش قرار گیرد، استفاده خواهد کرد تا به سود خود و برای کاستن رنج ملالت زندگی کسالت‌بارش بهره‌گیرد.

گفتنی است طبق نظر زاکرمن افراد داری هیجان خواهی بالا، از لحاظ برون گرایی خودمحور هستند و اطرافیان را فقط به صورت منبع تحریک در نظر می گیرند و انواع خطرها را به خاطر خود این تجربه ها انجام می دهند (Zuckerman، 1999: 487-501). سودابه با یک نظر به محض دیدن سیاوش که به خاطر «پری زادگی، از زیبایی آرمانی و دل ربایی خاصی برخوردار است» (فاضلی و کنعانی، ۱۳۸۹: ۹۴). دل به او می بازد و فصلی نو در زندگی خود باز می کند:

چو سودابه روی سیاوش بدید پراندیشه گشت و دلش بردمید
چنان شد که گفتی طراز نخ ست وگر پیش آتش نهاده یخ ست
(همان: ۳۰۸)

۳- تجربه جویی

از دیگر ویژگی های افراد هیجان خواه تجربه جویی است. تجربه جویی «میل به دنبال کردن تجربه ها از طریق ذهن و حواس است. نقاشی، موسیقی برخی انواع مواد مخدر، دنبال کردن تجربه از طریق حواس را می رسانند، در حالی که سبک زندگی خودانگیزه و ناهم رنگ با جماعت به ویژه با جماعت غیرعادی، تجربه جویی از طریق ذهن را نشان می دهد» (ریو، ۱۳۸۱: ۲۷۶ - ۲۷۵).

سودابه به هنگام ملاقات با سیاوش هنوز جوان است و رعنا و به شدت خواهان زندگی پرهیجان، او به هر شیوه بر آن است تا هیجان را وارد زندگی خود کند؛ به همین خاطر در عنفوان جوانی با شاه ایران که دشمن پدر و مردم سرزمینش و به طور طبیعی به لحاظ سن و سال از او خیلی بزرگ تر است، ازدواج می کند. او به سرزمین ایران که برایش کاملاً ناشناخته است، سفر می کند و پس از مدتی زندگی در قصر شاه از زندگی یک نواخت قصر شاهی دل زده می شود و درصدد ایجاد تنوع برمی آید و با شاهزاده جوان ایران نرد عشق می بازد و بر آن است تا با وارد شدن به رابطه ای ممنوع با او، تجربه ای تازه در روابط جنسی کسب کند. او برای ارضای حس تجربه جویی قدم در مسیری خوفناک و بدفرجام می نهد. این اقدام سودابه را از نگاه اسطوره ای می توان به تعبیر سرکراتی «به عنوان جلوه ای از «پری» که تجسم ایزدینه یکی از خویش کاری های «مأم ایزد» بزرگ باروری است، در نظر گرفت» (سرکراتی، ۱۳۸۵: ۲۳).

تجربه جویی سودابه او را برآن می دارد تا زیرکانه علی رغم میل باطنی سیاوش سه بار پای او را به شبستان شاهی باز کند و در ظاهر به نمایش دادن دختران و زیبارویان برای



انتخاب هم‌سر برای سیاوش و در اصل برای ارضای میل باطنی خود به دلبری از سیاوش بپردازد. گفتنی است برخی از شاهنامه‌پژوهان، با در نظر گرفتن نوعی پیوند در بین ایرانیان باستان به نام ختوت (خوئیده و دایه) که همان ازدواج با محارم بوده است و گویا برای حفظ خون و ثروت و منصب صورت انجام می‌گرفته؛ سودابه را همان مادر واقعی سیاوش تلقی کرده‌اند (خالقی مطلق، ۱۳۸۱: ۳۲۷ - ۳۲۳). بر این اساس، بیت‌های مربوط به آغاز داستان سیاوش مبنی بر ظهور ناگهانی مادر سیاوش به شکل دخترکی گریخته از خشم پدری از نسل گرسیوز (تورانیان) و گرفتاری در چنگال پهلوانان ایرانی (گودرز توس و گیو) در بیشه‌ای نزدیک مرز توران و درگیری آنان بر سر تصاحب وی و دست آخر به زنی کی‌کاووس درآمدن وی الحاقی دانسته شده است (همان). البته دور از ذهن نخواهد بود اگر بر آن باشیم سودابه نه مادر سیاوش که دختر شاه هاماوران و هم‌سر انیرانی کاووس است که با داستان و جادوگری آشناست، او کسی است که در همان برخورد نخستین، زیبایی دیگرگونه و فرازمینی زیبایی سیاوش را در می‌یابد و شگفت‌زده از این همه زیبایی بارها به هنگام گفت‌وگو با سیاوش ضمن آشکار کردن میل و علاقه خود به او، از وی درباره نژادش می‌پرسد. درواقع، سودابه جادوگر، به غیرعادی بودن زیبایی و نژاد سیاوش و نسبت داشتن وی با پریان پی می‌برد.

۳-۱- جست‌وجوی تجربه‌ای تازه

طبق نظر روان‌شناسان بین‌ویژگی هیجان‌خواهی بالا و خودمختاری هم‌بستگی وجود دارد. افراد دارای هیجان‌خواهی بالا «هیجان‌ات خود را بی‌پرده ابراز می‌کنند، درارتباط برقرار کردن با دیگران جسور هستند، ناهم‌رنگ با جماعت بوده و مخاطره‌جو هستند. آن‌ها مستقل از آداب و رسوم اجتماعی و نیازها و نگرش‌های دیگران عمل می‌کنند. آن‌ها که عمدتاً تحت تأثیر نیازهای خودشان قرار دارند، زندگی خود را برای به حداکثر رساندن فرصت‌های کامروایی ترتیب می‌دهند» (شولتز، شولتز، ۱۳۹۲: ۵۸۲).

آشکار است که زندگی یک‌نواخت و بی‌هیجان، برای سودابه هیجان‌طلب در کنار شاه پا به سن گذاشته و مسن‌تر از خود باعث ملالت اوست. از همین رو، به محض ورود سیاوش به دربار، سودابه که گویی خود این فرصت را می‌بسیجد با یافتن سیاوشی که چون پریان زیباست، بر آن می‌شود هیجانی نو و حلاوتی تازه به زندگانی یک‌نواخت و ملال‌انگیز خود ببخشد، به‌ویژه که سیاوش «دل‌ربایی و عشق‌انگیزی را در اصل از پری - مادر خویش - به وراثت گرفته است» (آیدنلو، ۱۳۸۴: ۴۳). جالب است که سودابه زیرکانه برای توجیه این

رفتار خود در نزد سیاوش پیری کاووس و نامعلوم بودن سرنوشت و فرجام کار خود را بعد از مرگ او، بیان می‌کند:

چو بیرون شود زین جهان شهریار تو خواهی بدن زو مرا یادگار

نمانی که آید به من بر گزند بداری مرا هم چنین ارج‌مند

(همان: ۳۱۳)

درواقع، انگ‌بختگی پایین در قصر کی کاووس و آمدن ناگهانی سیاوش به دربار و دیدار با سودابه، سودابه را که در جست‌وجوی هیجانی تازه است، به اظهار تمایلات غیراخلاقی سوق می‌دهد. او تحت تأثیر نیازهای درونی خود و موقعیت خود در دربار، بی‌پروا و جسارت‌آمیز به سیاوش اظهار عشق و علاقه می‌کند. به عبارت دیگر سودابه هیجان طلب در جست‌وجوی تجربه حسی تازه، هنگامی که رستم پس از هفت سال تربیت سیاوش در سیستان او را به درگاه کاووس بازآورد، «در نگاه اول شیفته شد چون در جهان خوب‌روی‌تر از سیاوش نبود، او مظهر کمال جسم بود» (مسکوب، ۱۳۸۶: ۱۱). درواقع، زیبایی خارق‌العاده این شاه‌زاده جوان در اولین برخورد او با سودابه، به وسیله سودابه جذب می‌شود.

۳-۱-۱- تلاش برای برقراری رابطه گناه‌آلود

پژوهش روان‌شناسان نشان می‌دهد که افراد هیجان‌خواه، تمایل به تصمیم‌گیری در لحظه آخر دارند، تنها تعهدهای کوتاه مدت را می‌پذیرند، از این‌که به خاطر چیزهای جالب‌تر به تعهد خود عمل نکنند، احساس گناه نمی‌کنند؛ قبل از انجام عمل عواقب آن را مورد ملاحظه دقیق قرار نمی‌دهند (شولتز، شولتز، ۱۳۹۲: ۵۸۰). این افراد نیاز بیش‌تری برای تحریک و تجربه‌های متنوع دارند (شولتز، شولتز، ۱۳۸۱: ۵۷۶). سودابه این بار برای ارضای هیجان‌خواهی بالای خود، وارد مسیری خطرناک می‌شود که در صورت برملا شدن کارش، مجازات مرگ در انتظار اوست. او که از یک‌نواختی و ملال‌انگیزی زندگانی خود آشفته و ناآرام است، می‌کوشد با سیاوش زبیراخ دل‌ربا، رابطه گناه‌آلود و ممنوع برقرار کند و به این طریق هیجانی تازه به زندگی خود وارد نماید. البته وی این کار را با محتالی و فریب‌کاری انجام می‌دهد.

سودابه ابتدا پنهانی سیاوش را به شبستان فرامی‌خواند و شخصی را به نزد او روانه می‌کند تا او را به نزد او برد، اما سیاوش که گویی از پیش همه چیز را می‌داند و از خواسته و نیت پلید سودابه آگاه است (همان: ۳۱ / ۳۱۲). دعوت سودابه را نمی‌پذیرد. پس



او به ناچار دست به ترفندی دیگر می‌زند و با نفوذ در کاووس از قدرت او برای نزدیک شدن به سیاوش استفاده می‌کند. این بار سودابه با تفکری ابتکاری به بهانه انتخاب هم‌سر برای سیاوش با میانجی‌گری کاوس، او را به شرکت در مهمانی‌های زنانه کاخ شاهی وادار می‌کند.

درواقع، سودابه با ترتیب دادن میهمانی‌های هیجان‌انگیز برای شاه‌زاده جوان و آوردن وی به خلوت‌گاه خود، آزادانه از سیاوش دلبری می‌کند و شور و هیجان زیادی به زندگی خود می‌بخشد:

بر او بر ز پیروزه کرده نگار به دیبا بیاراسته شاه‌وار

بر آن تخت سودابه ماه‌روی به سان بهشتی پر از رنگ و بوی

(همان: ۳۱۰)

سودابه با ترتیب دادن چنین مهمانی‌هایی به ظاهر مادرانه، تمام سعی خود را به کار می‌گیرد تا زیبایی‌های خود را به رخ او بکشد. پس شبستان شاهی را چون بهشتی می‌آراید و خود چونان حوری بهشتی در میان خوب رویان تاج بر سر می‌نهد و بر تختی زرین و نگارین می‌نشیند و با دیدن سیاوش به پیش‌باز او می‌رود و به بهانه مهر مادرانه او را تنگ در آغوش می‌کشد و بر سر و روی سیاوش بوسه می‌زند (همان: ۳۱۰ / ۱). سودابه با محتالی می‌تواند کاووس را مجاب کند که می‌خواهد برای سیاوش مادری کند و یکی از دختران او یا سایر بستگان شاهی را به کابین سیاوش درآورد:

فرستش به سوی شبستان خویش بر خواهران و فغستان خویش

(همان: ۳۰۸)

البته در این فریب‌کاری و دروغ‌گویی تا آن‌جا موفق می‌شود که کی کاووس او را مادر سیاوش می‌نامد.

۴- بازداری‌زدایی

منظور از بازداری‌زدایی، نیاز به رها بودن در فعالیت‌های اجتماعی بازداری نشده است (شولتز، شولتز، ۱۳۹۲: ۵۷۶). از خصوصیات افراد هیجان‌خواه، دادن پاسخ‌های فیزیولوژیکی شدیدتر و بیش‌تر نسبت به محرک‌های جدید، در مقایسه با افراد دارای هیجان‌خواهی کم است (شولتز، ۱۳۸۱: ۵۷۸-۵۷۷). این افراد «در خصوص رفتار جنسی خویش و دیگران آسان‌گیری یا بی‌بندوباری بیش‌تری بروز می‌دهند» (همان: ۵۷۷).

سودابه در آغاز سن جوانی، هنگامی که در نزد پدر در هاموران است با قبول پیش‌نهاد کی کاووس برای ازدواج با او علی‌رغم مخالفت پدرش غیرقابل پیش‌بینی بودن کارهای

خود را نمایان می‌سازد و خواهان لذت بردن از تجربه‌های تازه است. او بعد از ازدواج با کی کاووس در تلاش برای برقراری ارتباط غیراخلاقی با ناپسری خود، سیاوش، دیگر بار غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتارهای خود را به نمایش می‌گذارد. سودابه این بار با روشی نو و خلاقانه درصدد ایجاد هیجان در زندگی خود است. او خود را در نقاب مادری دل‌سوز نمایان می‌سازد تا از قدرت کاوس برای رام کردن سیاوش و نفوذ در وی استفاده نماید.

۴-۱- نمایش صحنه‌های مهیج و آشکار کردن جاذبه‌های زنانه

سودابه در پی برآوردن خواسته و تمنای دل خود، سه بار پای سیاوش را، به اجبار و با فشار فراوان، به خلوت‌گاه و اندرونی کاووس شاه باز می‌کند. سودابه در هر بار ملاقات با سیاوش درصدد آشکار کردن راز نهفته خود برمی‌آید. یکی از زیباترین صحنه‌های ملاقات سیاوش با سودابه در شبستان کاووس، زمانی است که سیاوش برای بار دوم از سوی سودابه به آن‌جا فراخوانده می‌شود و سودابه به بهانه انتخاب هم‌سر برای او، وی را به سان دیدن از دختران وا می‌دارد، که البته همین‌که چشم سیاوش به آن‌ها می‌افتد آنان را مجذوب تماشای خود می‌یابد. تمام قصر محو زیبایی سیاوش می‌شود و کسی حاضر به یک لحظه چشم برداشتن از سیاوش نمی‌گردد، ترسی لطیف به جان سیاوش رخنه می‌کند و او را از ادامه نگرستن باز می‌دارد، سر به زیر می‌افکند و از انتخاب باز می‌ماند. هر یک از دختران حاضر در آن مهمانی ناامیدانه درحالی که زیر لب می‌ژکد و بخت را ناسزا می‌گوید به جای گاهش باز می‌گردد.

میزان هیجان‌خواهی در افراد مختلف با بالا رفتن سن آنان کاهش می‌یابد. زاکرمن و هم‌کاران وی دریافتند که هیجان‌خواهی در نتیجه سن تغییر می‌کند. افراد جوان‌تر بیش‌تر از افراد مسن‌تر به جست‌وجوی حادثه، ریسک و تجربیات جدید گرایش دارند (شولتز، شولتز، ۱۳۹۲: ۵۷۸).

سودابه در نوجوانی در پی ویژگی هیجان‌خواهی، به کابین کی کاووس درمی‌آید و البته به هنگام دیدار با سیاوش پسر کی کاووس، به نظر می‌رسد هم‌چنان زیبا و رعناست و هنوز در سن جوانی و هیجان‌طلبی است؛ پس طبیعی است از زیستن در کنار شاه پیر و زندگی بی‌هیجان کاخ شاهی به تنگ آید و در پی بهانه‌ای برای ایجاد تنوع و هیجان‌بخشی به زندگی کسالت‌بار خود برآید و مبتکرانه جشن‌های باشکوه ترتیب دهد و زیرکانه برای نرم کردن دل سیاوش، مبهم بودن سرنوشتش را بعد از مرگ پادشاه پیر مستمسک رفتارهای غیراخلاقی خویش قرار دهد.



۲-۴- پافشاری بر کام‌جویی

سودابه به هر شکلی، تحریک و حتا تهدید، خواهان کام‌جویی از سیاوش است و برای رسیدن به آرزوی خود دست به هر کاری می‌زند و از آشکار کردن زیبایی‌های زنانه خود در برابر سیاوش ابایی ندارد. سودابه در برابر چشمان پرشرم سیاوش، بی هیچ ملاحظه‌ای عشق خود به او را در شبستان اظهار می‌کند:

من اینک به پیش تو استاده‌ام تن و جان شیرین تو را داده‌ام

زمن هرچه خواهی، همه کام تو برآرید، نیچم سر از دام تو

(همان: ۳۱۴-۳۱۳)

به عبارت دیگر از آن‌جا که شکل اصلی هر هیجان در افراد مختلف یکسان است؛ اما در جوامع مختلف تحت تأثیر شرایط فرهنگی خاص آن جامعه، شکل بروز هیجان متفاوت است. برخی افراد تحت تأثیر شرایط، هیجان‌خواهی خود را به طرق ضداجتماعی ابراز می‌کنند (موکیلی، دانتزر، ۱۳۸۴: ۲۳۰). درواقع، سودابه انیرانی، با شیوه پرورش و شخصیتی خود ابراز عشق می‌کند.

۳-۴- تحریک‌پذیری از موقعیت ناکامی و کینه‌جویی

ویژگی هیجان‌خواهی بالای این افراد سبب تحریک‌پذیری بیش‌از حد چنین افرادی است. این افراد در موقعیت‌های خطرآفرین تصمیم‌هایی دور از انتظار و پرخطر را می‌گیرند.

سودابه به سبب برخورداری از ویژگی هیجان‌خواهی بالا، در پی ناکامی از سیاوش و احساس سرخورده‌گی و حقارت در خود، دست به خودزنی زده، با ایجاد آشوب و سر و صدا در یک آن تصمیمی عجیب و متهورانه می‌گیرد. او بی آن‌که عاقبت کار خود را در نظر بگیرد، با سر و صدا و جنجال راه انداختن سعی می‌کند ماجرای خود با سیاوش را برملا سازد. سودابه سرخورده و ناکام از اجرایی نشدن نقشه شوم و گناه‌آلود خود، بیش‌از پیش هیجان‌زده و تحریک‌پذیر می‌شود. سودابه از درون متلاشی شده و روح و روانش چنان جراحت برداشته است که هیچ چیز جز آسیب زدن و صدمه وارد ساختن به سیاوش او را آرام نمی‌سازد. پس بی‌درنگ در یک لحظه بی آن‌که به فرجام عمل خود بیندیشد سر و صدا و هیاهو به پا می‌کند و برای جبران احساس حقارتی که به وی دست داده، سیاوش را متهم به هتک حرمت نسبت به خود می‌کند و از اطرافیان برای نجات خود از آزارهای سیاوش کمک می‌خواهد:

بزد دست و جامه بدرید پاک به ناخن دو رخ را همی کرد چاک

برآمد خروش از شبستان اوی فغانش از ایوان برآمد به کوی
(همان: ۳۱۵)

وی با استفاده از فریبی زنانه، چهره حق به جانب می‌گیرد و با غنچ و دلال زنانه در برابر چشمان حیرت‌زده کاووس و اطرافیان، سیاوش را به داشتن سوءقصد و تجاوز به خود متهم می‌کند.

گویی افراد هیجان‌خواه به هنگام قرار گرفتن در موقعیت خطر و ناکامی در انجام قصد و نیت خود، خطرناک‌ترین تصمیم را انتخاب می‌کنند؛ تصمیمی که اگر طبق پیش‌بینی آن‌ها پیش نرود، خود آن‌ها را نیز به قعر نابودی و مرگ می‌کشاند.

۴-۴- انجام کارهای عجیب و شگفت‌آور

نتایج آزمون‌های خلاقیت و ابتکار عمل نشان داد افراد دارای صفت هیجان‌خواهی بالا «توانایی بیش‌تری برای تفکر ابتکاری دارند» (شولتز، شولتز، ۱۳۹۲: ۵۸۳). طبیعی است این افراد در مقایسه با افراد کم‌هیجان‌خواه، مخاطره‌جو هستند و ممکن است در روابط اجتماعی به مخاطره‌جویی ضداجتماعی اقدام نمایند. (همان: ۵۸۱ - ۵۸۰).

سودابه بعد از برملا شدن رابطه خود با سیاوش، می‌کوشد بار گناهان را به گردن سیاوش بیندازد و با مظلوم‌نمایی در نزد کاووس، سیاوش را مقصر اصلی جلوه دهد. او برای نجات خود دست به هر کار بازداری نشده‌ای می‌زند، پس با تطمیع‌زنی جادو که کودکانی دوقلو در شکم داشت؛ صحنه نمایشی عجیب و درعین‌حال حساب‌شده و دقیقی را به راه می‌اندازد. سودابه چون بازی‌گری استاد با طراحي صحنه‌ای واقعی، زن جادو را با خوراندن دارو، به سقط دوقلوهایش وامی‌دارد و سپس کودکان سقط‌شده او را به خود برمی‌بندد و با مهارت تمام نقش مادر کودکان تازه سقط شده را بازی می‌کند. در این نمایش بی‌سابقه، کودکان سقط‌شده در برابر دیدگان بهت‌زده حاضران، به نمایش درمی‌آیند و گناه مرگ کودکان از سوی سودابه، به گردن سیاوش انداخته می‌شود:

بیارید سوداوه از دیده آب بدو گفت: روشن بین آفتاب!
همی گفتمت کوجه کرد از بدی به گفتار او خیره ایمن شدی
(همان: ۳۱۸)

کی کاوس در برابر این صحنه عجیب، چنان دچار دودلی و تردید می‌شود که به‌ناچار از اخترشناسان می‌خواهد تا او را در تشخیص حقیقت یاری دهند و ماهیت کودکان مورد ادعای سودابه را برایش آشکار نمایند. این در حالی است که سودابه خود را در بستر



بیماری انداخته و با همان حال نزار و بیمار خود از کاووس خواهان مجازات سیاوش است (همان: ۳۱۸، ۳۳۹).

۴-۵- استفاده از نفوذ کلام

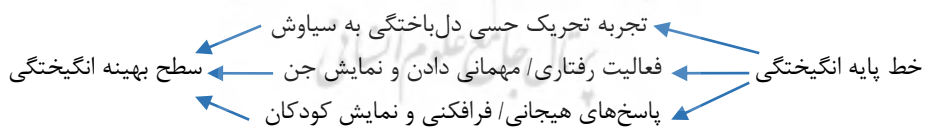
آشکار است که افراد هیجان‌خواه و ماجراجو با قرار گرفتن در موقعیت‌های خطرآفرین، بیش از افراد عادی از تمام توان خود برای نجات خویش از مهلکه بهره می‌گیرند. سودابه در پی ماجراجویی و هیجان‌طلبی در موقعیت سخت و دشوار قرار گرفته است. او نه تنها بر سیاوش پیروز نشده، بل که نزدیک است نقشه نمایش کودکان سقط‌شده هم با دست‌گیری زن جادو، که با راهنمایی اخترشناسان اتفاق افتاده است، با شکست مواجه گردد. او هنگامی که در برابر گفته‌های ستاره‌شناسان قرار می‌گیرد و سخنان آنان را در حضور کاووس می‌شنود، این بار با استفاده از قدرت کلام و نیروی سخن، اخترشناسان را به جانب‌داری از سیاوش متهم می‌کند و قدرت سیاسی سیاوش و حامی وی رستم را پیش می‌کشد و از این‌که سرنوشت کودکان از دست‌رفته برای کاوس مهم نیست، شکوه و ناله سر می‌دهد و برای تأثیر بیشتر، کاووس را از بازخواست روز داوری به هنگام رستاخیز بیم می‌دهد:

سخن‌گرگرفتی چنین سرسری بدان گیتی افگندم این داوری
(همان: ۳۲۰)

سودابه با هیجان تمام این سخنان را بر زبان جاری می‌کند و پس از آن چنان با سوز دل می‌گرید که کاووس هم با او زار می‌گرید و دلش به رحم می‌آید:

سپهبد ز گفتار او شد دژم همی زار بگریست با او به هم
(همان: ۳۲۰)

نمودار:



نتیجه‌گیری

دقت در شاه‌کارهای ادبی نشان می‌دهد پدیدآورندگان این آثار آگاهی عمیق از خصوصیات روحی و روانی انسان‌ها دارند، هم از این‌رو، این دسته از آثار ظرفیت تحلیل و بررسی با انواع نظریه‌های علمی جدید را دارا هستند. شاهنامه حکیم فردوسی در زمره شاه‌کارهای کم‌نظیر ادبی است که می‌تواند از دیدگاه‌های متعدد مورد واکاوی و تحلیل

قرار گیرد. بررسی یکی از شخصیت‌های داستانی شاهنامه، سودابه، نشان داد فردوسی در به تصویر کشیدن پیچیدگی‌های روانی و روحی سودابه تا چه اندازه استادانه و دقیق عمل کرده است.

بررسی ویژگی‌های شخصیتی سودابه با نظریه هیجان‌خواهی زاکرمن نشان داد که وی زنی هیجان‌طلب و ماجراجو بوده است که برای رسیدن به سطح مطلوب انگیزتگی، ناگزیر دست به رفتارهای غیرعادی و عجیب زده است. انتخاب کاووس به هم‌سری درحالی‌که کاووس به سرزمین پدری او یورش برده و وی را به‌عنوان باژخواستاری کرده است، سپس حمایت تمام‌قد از کاووس در ماجرای به اسارت درآمدن وی و هم‌راهانش در پی نقشه شاه هاموران برای بازپس گرفتن سودابه و شکست دادن کاووس، سفر به ایران و دل‌زدگی از زندگی یک‌نواخت و ملال‌آور قصر کاووس، فشار آوردن به ناپسری خود، سیاوش، به محض دیدن او در نزد کاووس برای برقراری رابطه گناه‌آلود با وی و سایر ماجراهایی که در این رابطه به وجود می‌آید همه نمایان‌گر شخصیت هیجان‌خواه او هستند. درواقع، همان‌طور که طی این پژوهش نشان می‌دهد همه مؤلفه‌هایی که ماروین زاکرمن درباره افراد هیجان‌خواه بیان کرده است در شخصیت سودابه و رفتارهای او کاملاً نمایان است.



فهرست منابع

- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۴). «فرضیه‌ای دربارهٔ مادر سیاوش»، *نامهٔ فرهنگستان*، دوره ۷، شماره ۳، صص ۴۶-۲۷
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۷۰). *جام جهان بین*، تهران: نشر جامی.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۵). *پژوهشی در اساطیر ایران*، (پارهٔ نخست و دوم)، تهران: آگه.
- حائری، شهلا. (۱۳۸۳). «سودابه‌ای دیگر»، *مجلهٔ بخارا*، شماره ۳۸.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۱). «نظری دربارهٔ هویت مادر سیاوش»، *سخن‌های دیرینه*، به‌کوشش علی دهباشی، تهران: افکار. صص ۳۲۷ - ۳۲۳.
- خداپناهی، محمد کریم. (۱۳۸۲). *انگیزش و هیجان*، تهران: سمت.
- خسروی، اشرف و طغیانی، اسحاق. (۱۳۸۹). «تحلیل روان‌کاوانه شخصیت رودابه و سودابه (یگانه‌های دوسویه) شاهنامه»، *کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*، دوره ۱۱، شماره ۲۱، صص ۳۷-۹.
- راس، آلن. (۱۳۷۸). *روان‌شناسی شخصیت*، ترجمهٔ سیاوش جمال‌فر، تهران: روان.
- سرّامی، قدمعلی. (۱۳۷۸). *از رنگ گل تارنج خار (شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه)*، تهران: علمی فرهنگی.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۷۸). *سایه‌های شکار شده*، تهران: قطره.
- شاد آرام، علیرضا و غلام‌حسین شریفی ولدانی. (۱۳۸۹). «نقش زنان در دو داستان تریستان و ایزوت و ویس و رامین»، *فصل‌نامهٔ نامه فرهنگستان*، پاییز، شماره ۲.
- شاملو، سعید. (۱۳۸۲). *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*، تهران: رشد.
- شولتز، دوان. (۱۳۸۱). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمهٔ یوسف کریمی و هم‌کاران، تهران: ارسباران.
- شولتز، دوان، شولتز، سیدنی آلن. (۱۳۹۲). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمهٔ یحیا سید محمدی، تهران: ویرایش.
- ریو، جان مارشال. (۱۳۸۱). *انگیزش و هیجان*، ترجمهٔ یحیا سید محمدی، تهران: ویرایش.
- صفری، جهان‌گیر، سید کاظم موسوی و ابراهیم طاهری. (۱۳۹۲). «تحلیل روان‌شناختی - سیاسی داستان سیاوش»، *کهن‌نامهٔ ادب پارسی*، دوره ۴، شماره ۴، صص ۱۰۷-۷۱.

- علیلو، مجید، تورج هاشمی و ستاره جانی و اصغر پوراسماعیلی. (۱۳۹۲). «پیش‌بینی الگوهای شخصیت خوشه «ب» بر اساس هیجان‌خواهی و سیستم‌های مغزی رفتاری»، *مجله روان‌شناسی/اندیشه و رفتار*، دوره هفتم، شماره ۲۸، صص ۸۹-۶۷.
- علامی، ذوالفقار و نسرين شکیبایی ممتاز. (۱۳۸۶). «سیاوش در تاریخ داستانی ایران»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی*، سال ۴، شماره ۱۷، صص ۱۰۷-۱۲۴.
- فاضلی، فیروز و ابراهیم کنعانی. (۱۳۸۹). «سیاوش شخصیتی آیینی و رازناک»، *پژوهش‌نامه زبان و ادب فارسی*، (گوهرگویا)، سال چهارم، شماره اول، ۱۰۸-۹۳.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). *شاهنامه*، تصحیح جلال خالقی مطلق (دو جلدی)، تهران: سخن.
- فیست، جس و گرگوری فیست. (۱۳۹۴). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیا سیدمحمدی. تهران: روان.
- کزازی، میر جلال‌الدین. (۱۳۸۴). *نامه باستان*، ج ۱. تهران: سمت.
- مارشال ریو، جان. (۱۳۸۱). *انگیزش و هیجان*، ترجمه یحیا سید محمدی، تهران: ویرایش.
- مسکوب، شاهرخ. (۱۳۸۶). *سوغ سیاوش*، تهران: خوارزمی.
- موکیلی، آکس و روبرت دانترز. (۱۳۸۴). *انگیزش و هیجان*، ترجمه حمزه گنجی و علی پیکانی، تهران: ساوالان.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۶۷). *عناصر داستان*، تهران: شفا.
- وفایی، زینب، قاسم عسکری‌زاده و عباس رحمتی، (۱۳۹۰). «رابطه هیجان‌خواهی، شوخ‌طبعی و نگرش دینی با اضطراب مرگ»، *مجله روان‌شناسی دین*، سال چهارم، شماره سوم، صص ۶۸-۴۹.
- یوسفی، غلام‌حسین. (۱۳۴۹). «چهره‌ای معصوم و روشن در شاهنامه»، *مجله دانش‌کده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، سال ششم، شماره ۲، صص ۲۴-۱.
- Eysenck, S., & Zuckerman, M. (1978). The relation between sensation-seeking and Eysenck's dimensions of personality. *British Journal of Psychology*, 4(4), 83-87
- Roberts, R., O' Connor, T. G., Dunn, J., Golding, J. & The ALSPAC study team. (2004). The effects of child sexual abuse in later family life, mental health, parenting and

adjustment of offspring . Child abuse & Neglect , 28(5), 525-545

- Zuckerman, M., Joirman, J., Kraft, & Kuhlman, D.M. (1999) where motivational and emotional traits fit with in tree factor models of personality personality and Individual Difference , 26(3), 487-501.

